

سیاست تکریم؛ راهبرد اسلام برای تعامل حکمرانی اسلامی با اهل کتاب

سیدمحمد مهدی محقق، محمدرسول آهنگران

چکیده

دین اسلام هزار و چهارصد سال پیش با شعار سعادت و نجات بشریت ظهور کرد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم پایه گذار این دین با ادعای پیامبری از طرف خداوند و با هدف هدایت بشریت، مأموریت الهی خویش را آغاز فرمود. بنیانگذار دین اسلام با تکیه بر الهاماتی که بر وجود مبارکش نازل می شد به تعامل با دیگران می پرداختند. از موضوعاتی که در سیره پیامبر و متن قرآن کریم به وضوح به آن پرداخته شده است؛ رفتار حکمران اسلامی با غیرمسلمانان و شیوه تعامل با آنهاست. قرآن منبع اصیل و بی بدیل نظریات اسلامی با تأیید ادیان الهی مسیحیت و یهودیت؛ مأموریت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را در امتداد یکتاپرستی حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما السلام معرفی می کند و ادیان الهی را در امتی واحد قرار می دهد. همچنین تأمل و واکاوی در زندگی پیامبر (ص) نشان می دهد که ایشان ضمن پذیرش حقوق غیرمسلمانان، به ویژه اهل کتاب، هیچ گاه از مهرورزی و عدالت در حق آنان دریغ نرورزیده و اصل را در این باره بر منطق و گفتگو، آگاهی بخشی و فرهنگ گستری و همکاری های مشترک بنا نهاد. ایشان ضمن مدارا با کافران و حمایت از مراکز دینی اهل کتاب، هیچ کس را مجبور به تغییر دین خویش و پذیرش اسلام نساخت، هر چند در معرفی هوشمندانه اسلام و جذب مردم به آن، از همه ابزارهای عاطفی و عقلانی و جز آن، استفاده نموده، در این راه سنگ تمام گذارد. به علاوه آن حضرت در حوزه هایی چون انعقاد پیمان نامه ها، بهره وری از نخبگان و کارشناسان، داد و ستد با کافران، پذیرش کمک های غیرمسلمانان، احترام به سفیران و فرستادگان و دیگر حوزه های مرتبط، ضمن پذیرش و تأکید بر اصل این موارد، حدود و ثغور آن را نیز مشخص نمود و اصول و قواعد ماندگاری را در این باب از خود بر جای نهاد.

واژگان کلیدی: اسلام، قرآن، حکمران، غیرمسلمانان، اهل کتاب

واژه «تکریم» در لغت به معنای گرامی داشتن، احترام کردن و نیکویی رساندن به انسان است (دهخدا، ذیل تکریم) و در اصطلاح، برخوردها، رفتارها و روابط مبتنی بر ارج نهادن انسان‌ها به یکدیگر را تکریم گویند و منظور از «حکمرانی» شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل‌دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت‌ها، در اهداف و سیاست‌ها، قوانین و خط مشی‌ها، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روش‌های آن تنظیم می‌گردد. در این نوشته بخش قوانین، خط و مشی‌ها، برنامه‌ریزی و اجرای ابعاد روابط حکومت با اقلیت اهل کتاب مورد توجه خواهد بود که برای این امر نیاز به تبیین موضوع در دو منبع اساسی نظریات اسلامی یعنی کتاب و سنت ضرورت دارد که در حد اقتضاء مطالبی در ادامه بیان خواهد شد. در ابتدا به تبیین جایگاه الهی قرآن و شخصیت بی‌نظیر پیامبر، نظر خواهد شد و در ادامه به رویکرد این دو منبع لایتنهای در باب ارتباط با اهل کتاب و سیاست تکریم در این زمینه پرداخته خواهد شد.

در هر یک از ادیان توحیدی (اسلام، مسیحیت، یهودیت) متون الهیاتی موجود است که پیروان آن ادیان، ضمن قداست ربوبی که برای این متن و آورنده‌اش قائلند، تمام پیشینه، اعتقادات، آداب، رسوم و احکام دین خود را منسوب و مأخوذ از آن متون دانسته، به اوامر و نواهی آن ملزم بوده و آن را ضامن هدایت و سعادت بشر در جمیع شئون دنیوی و اخروی می‌دانند.

در دین مبین اسلام نیز «قرآن»، منبع وحیانی و ثقل اکبر است. واژه قرآن در اصل مصدر است و به معنای هر چیز خواندنی است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۶۶۸) اما ارباب لغت قائلند که این واژه اسم علم است و به کتابی که بر حضرت محمد بن عبدالله (ص) آخرین فرستاده خدا نازل شده اطلاق می‌گردد و وجه تسمیه آن از این جهت می‌باشد که این کتاب خواندنی است و باید خواند و در معانی‌اش تدبر نمود (قرشی، ۱۳۸۴: ۲۶۲) قرآن (علاوه بر نزول دفعی در شب قدر، در طول بیست و سه سال به صورت تدریجی به مقتضای احوال و نیازها، از جانب خدا بر وجود مبارک پیامبر اسلام فرود آمده است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۲۷۵).

مسلمانان، ویژگی‌هایی برای قرآن قائلند که پیروان دیگر ادیان، مدعی چنین اوصافی برای کتب آسمانی خویش نمی‌باشند؛ ایشان اعتقاد دارند: تمامی کلمات و حروف این کتاب، وحی الهی است که از جانب خدا و لوح محفوظ، از طریق فرشته امین الهی بر قلب پیامبر نازل شده و ایشان مستقیماً آن را برای مردم تلاوت کرده‌اند. «مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۴۵» در حالی که پیروان دیگر ادیان، متن کتب آسمانی خویش را نقل به معنا دانسته و تنها مفاهیم و مضامین آن را الهی می‌دانند، نه خود الفاظ را.

مسلمانان معتقدند این کتاب معجزه جاوید رسول خدا می‌باشد و با داشتن جنبه‌های مختلف اعجازی چون فصاحت، بلاغت، اخبار غیبی، عدم تناقض و تعارض و ... هیچ‌کس نتوانسته و نمی‌تواند مانند آن را بیاورد (قرشی، ۱۳۸۴: ۲۶۴) و دیگر آنکه جمهور مسلمین معتقدند که قرآن به هیچ وجه تحریف نشده و تمامی کلمات آن، هم زمان با نزول، توسط کتاب وحی و با نظارت رسول الله (ص) به ثبت رسیده است که این عدم تحریف، با دلایل مختلف عقلی و نقلی قابل اثبات است (همان) و این در حالی است که دیگر کتب آسمانی تورات و انجیل سال‌ها پس از حضرت موسی و عیسی توسط شاگردان و با بیان و برداشت شخصی آنها تدوین گردیده است. (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۸۲)

دستورالعمل‌های قرآن تنها برای استفاده بخش خاصی از جامعه نیست؛ بلکه دستورالعمل‌هایی کامل برای جامعه بشری و سراسر تاریخ است. این کتاب افزون بر آن که حاوی معارف و جهان‌بینی، اصول اعتقادی، دستورالعمل‌های عملی و اخلاقی، تاریخ امت‌ها و پیامبران پیشین، فلسفه و سنت‌های تاریخ، است؛ درباره قوانین مربوط به زندگی مردم و روابط اجتماعی آنها، در چارچوب یکسانی با فطرت، دیدگاه‌های استواری عرضه کرده و دستورهای روشنی ارائه داده است.

این کتاب با چنان مشخصاتی در مورد منبع اصیل بعد از خود و همچنین مفسر عملی تئوریات نظری خود (وجود مبارک خاتم النبیین) در چندین آیه مطالبی بیان کرده است. در آیه شریفه ۲۱ سوره مبارکه احزاب، پیامبر برای آنها که «امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند به عنوان سرمشق نیکویی» معرفی می‌شوند. در آیه ۴ سوره قلم در وصف اخلاق پیامبر بیان شده که «(تو) پیامبر اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری» همچنین در آیه شریف ۱۰۷ سوره مبارک انبیاء در همین مورد تأکید شده: «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم». در ادامه توصیف اخلاق حضرت در آیه شریفه ۱۲۸ سوره مبارکه توبه آمده است: «رنج‌های دیگر انسان‌ها برای پیامبر سخت بوده و اصرار بر هدایت بندگان دارد و نسبت به مومنان رؤوف و مهربان است» و در تکمیل این آیه؛ در سومین آیه سوره مبارکه شعراء حالت پیامبر را چنان توصیف می‌کند که گویی می‌خواهند جان مبارک خود را از شدت اندوه از دست بدهند بخاطر اینکه آنها (اهل مکه) ایمان نمی‌آورند.

همچنین در تأیید قول پیامبر و اینکه پیامبر هرگز قولی از جانب خودش به خدا نسبت نداد؛ در آیات شریفه ۴۴ و ۴۶ سوره مبارکه الحاقه بیان شده که «اگر این پیامبر کریم که ما رسالت خود را به دوش او نهادیم، و با قرآن کریم به سوی شما فرستادیم، پاره‌ای اقوال را از پیش خود بترشد و به ما نسبتش دهد، "لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ" ما او را مانند مجرمین دست بسته می‌کنیم، و یا ما دست راست او را قطع می‌کنیم، و یا با دست خود که همان قدرت ما است او را گرفته انتقام از او می‌ستانیم. آن وقت هیچ‌کس از شما نیست که بتواند او را از ما

پنهان کند، و ما را از انتقام‌گیری از وی مانع شود، و در نتیجه از عقوبت و اهلاک ما برهاند» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴ ش). آنچه در این آیات آمده، تهدیدی واقعی نسبت به رسول خدا (ص) نیست، بلکه برای اطمینان‌دادن به مردم است که این پیام‌آور الهی هر چه بگوید از جانب خدا است و او چیزی از خود به ما نسبت نمی‌دهد. چنان‌که در آیات شریفه ۴ و ۵ سوره مبارکه نجم فرمود: «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».

پس با این مقدمه؛ مسلمانان باید، برای جلب رضایت خداوند و امید به رحمتش در سیره پیامبر جستجو کرده و آن سیره را سرمشق اعمال و رفتار خویش قرار دهند. در این رساله با توجه به موضوع آن مطالبی درباره سیره پیامبر - به عنوان اولین و بزرگترین حکمران حکمرانی اسلامی - در ارتباط با اهل کتاب جهت تبیین بیشتر این موضوع ارائه خواهد شد. نگاهی به زندگی و کارنامه آن حضرت نمایانگر آن است که وی به عنوان حکمران اسلامی همواره در برابر کافران از ابزار استدلال و منطق بهره می‌جست و صلح و همزیستی مسالمت‌جویانه را وجهه همت خود قرار می‌داد و پایه تعاملات خود را با همه گروه‌ها و طبقات بر همکاری‌های مشترک بنا می‌نهاد. ضمن آنکه هیچ‌گاه از مهرورزی و عدالت، حتی نسبت به دشمنان خود دریغ نوریخته و کینه‌توزترین آنان را از همین رهگذر به زانو درآورده و آنان را شیفته رفتار و سلوک خود ساخت؛ چنانکه قرآن نیز در آیاتی چند او را به داشتن به این صفات ستوده است.

در این جستار، جستجو در سیره رفتاری پیامبر؛ به منزله بیانی از رفتار عملی دستورات قرآن در نظر گرفته شده و تبیین شیوه رفتاری پیامبر با غیرمسلمانان، به منزله نمودی از اخلاق عملی قرآن و دستورالعمل اخلاقی اسلام ارائه می‌گردد. همچنانکه می‌توان چنین ادعا کرد که سیره پیامبر همان بیان قرآن از تعامل با اهل کتاب را بیان می‌کند و در طول آن قرار دارد.

این نوشته با هدف تبیین سیاست تکریمی حکمرانی اسلامی در ارتباط با غیرمسلمانان تهیه شده و با گردآوری مطالب مرتبط از متن کتاب مقدس قرآن کریم و سیره پیامبر مکرم اسلام بدنبال پاسخ به چند سوال مهم خواهد بود.

۱- دستورالعمل قرآن برای تعامل با غیرمسلمانان چه بوده است؟

۲- شیوه تعامل پیامبر با غیرمسلمانان به چه صورت بوده است؟

۱- جایگاه انسان در حکمرانی اسلام از دیدگاه قرآن

بنی‌آدم از دیدگاه قرآن اشرف مخلوقات بوده و خداوند او را بر صحرا و دریا مسلط کرده و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است (اسراء، ۷۰). در قرآن آمده که ما همه فرزندان آدم علیه السلام را گرامی داشتیم و ایشان را تکریم کردیم؛ یعنی مفهوم تکریم از دیدگاه قرآن برای همه انسان‌ها از جانب خداوند منان جاری شده است و حتی ادعا شده که انسان به عنوان نماینده و جانشین خداوند در زمین قرار داده شده است.

به عبارت دیگر خداوند به نوع بشریت جایگاه خلیفه الهی بخشیده و همه انسان‌ها را با توجه به انسان بودن مستحق تکریم و کرامت دانسته است و در قرآن کریم مومنین را سفارش به نیکی (فصلت، ۳۴)، احسان (نحل، ۹۰)، انفاق (رعد، ۲۲)، عدالت (ممتحنه، ۸) و صلح (رحم‌نساء، ۱) در ارتباط با عامه بنی‌آدم کرده و این سفارش را محدود نکرده است. همچنین در قرآن به وفای به عهد سفارش اکید شده و بیان می‌شود که خداوند هرگز پیمان‌شکنی نمی‌کند و ایشان با وفاترین شمرده شده است.

قرآن همه انسان‌ها را با خلقت در نوع انسانی مستحق تکریم می‌داند و این تکریم با تولد هر انسانی برای آن انسان در نظر گرفته شده و به صورت انتصابی می‌باشد. ولی دستیابی به کمال‌هایی که انسان در پرتو تقوا، ایمان و عمل صالح، خود به دست می‌آورد معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوندی است (حجرات، ۱۳) این نوع کرامت را کرامت اکتسابی گویند که مستوجب تکریم خاص و ویژه خداوند ملائک و دیگر موجودات می‌باشد. از دیدگاه قرآن با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست چون همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند.

تکریم به عقل زمانی ارزش و جایگاه واقعی خود را می‌یابد که در خدمت ایمان و تقوا قرار گیرد. امام باقر علیه السلام پس از آن که مؤمن را با کرامت‌ترین مخلوق معرفی کرد، در تحلیل این مدعا می‌فرماید: «فرشتگان خدمتگزار مؤمنان هستند. همجواری با خدا، بهشت و حورالعین برای آنان است» (کلینی، ۲/۳۳). از این جهت که تکریم حقیقی به اسلام، ایمان و تقوا است، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خدا روح کافر را تکریم نکرده است، لیکن روح مؤمن را همواره گرامی می‌دارد» (قرائتی، ۲/۲۲).

می‌توان چنین نتیجه گرفت که خداوند متعال کرامت انتصابی انسانی را برای همه انسان‌ها یکسان در نظر گرفته است و ابر و خورشید و ماه و فلک را مسخر گردانیده است تا این موجود با کرامت را تکریم کنند. اما این کرامت انتصابی بوده و همه موجودات آفرینش در حال فعالیت و خدمت به انسان هستند تا او با در نظر گرفتن کرامت‌های انتصابی خویش در غفلت نمانده و در این امتیازات قرار داده شده برای او محدود نشده و به سمت کرامت‌هایی اکتسابی حرکت کند؛ حتی می‌توان فعالیت همه پیامبران را هم در همین راستا قرار داد.

قرآن کریم نازل شده برای هدایت بشریت و با توجه به مطالب ذکر شده در مورد دستورات اسلام برای تکریم نوع بشر یکی از انواع بشریت که در تعامل با مسلمانان می باشند و قرآن کریم؛ ماموریت حضرت محمد صل الله علیه و آله را در امتداد و ادامه دهنده اهداف این اقوام معرفی می کنند، اهل کتاب می باشند. این اقوام (شامل یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و صائبین -در مورد اهل کتابی بودن زرتشتیان و صائبین اختلاف نظرانی وجود دارد) نزدیک ترین اقوام به مسلمانان از لحاظ اعتقادات و فرهنگ می باشند که قرآن کریم از پیامبران و مومنان این قوم به نیکی یاد کرده است و آیات متعددی درباره پیامبران، خانواده های شان و مومنان اهل کتاب نازل شده است.

۲- دستورالعمل قرآن برای تعامل حکمرانی اسلامی با اهل کتاب

همانگونه که بیان شد قرآن برای همه انسانها و نوع بشریت نازل شده و دستورات آن در همه ابعاد زندگی تسری داشته و در همه مسائل مبتلابه بشریت احکام متناسب صادر کرده است. رابطه بین مسلمانان و دیگر جوامع بشری، ضروری و فطری است و تداوم زندگی بشر، نیازمند این گونه روابط است و از سوی دیگر، اگر قرآن به عنوان آخرین پیام خدا به خلق و کامل ترین برنامه الهی بر جوامع انسانی، مبنا و شالوده هر نوع روابط را تشکیل ندهد، اعتلای اسلام و عزت مسلمانان آسیب دیده و زیر سؤال خواهد رفت. روابط مسلمانان با اهل کتاب -در زوایای گوناگون با معیارهای مشخص و ضوابط معین- در قرآن کریم، جایگاه ویژه ای دارد؛ زیرا این مجموعه بیکران به عنوان آخرین کتاب وحی الهی، رسالت جهانی داشته و برای راهبری انسان در همه عصرها و نسلها فرستاده شده است؛ چنانکه خود می فرماید: (هذا بصائر للناس...) (جائیه، ۲۰) این قرآن، وسیله بینایی همه مردم است.

در قرآن عبارت «امت واحده» ۹ بار-مومنون ۵۲، شورا ۱۰۸، انبیاء ۹۲، هود ۱۱۸، نحل ۹۳، مائده ۴۸، زخرف ۳۲، یونس ۱۳، بقره ۲۱۳- تکرار شده است که گروهی از مفسران، مسلمانان را همراه با اهل کتاب در یک امت واحد در سبیلی واحد قرار داده، همچنین هدف آنها را واحد تفسیر کرده اند (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً). این پیامبران بزرگی که به آنها اشاره شد همه یک امت واحد بودند "برنامه آنها یکی و هدف و مقصد آنها نیز یکی بوده است، هر چند با اختلاف زمان و محیط، دارای ویژگی ها و روش ها و به اصطلاح تاکتیک های متفاوت بودند اما همه در نهایت امر در یک خط حرکت داشتند، همه آنها در خط توحید و مبارزه با شرک و دعوت مردم جهان به یگانگی و حق و عدالت، گام برمی داشتند. این یگانگی و وحدت برنامه ها و هدف، به خاطر آن بوده که همه از یک مبداء سرچشمه می گرفته، از اراده خداوند واحد یکتا، و لذا بلافاصله می گوید: "و من پروردگار همه شما هستم، تنها مرا پرستش کنید" (وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۴۹۷/۱۳).

در آیه ۹۴ سوره انبیاء که موضوع درباره امت واحده بوده اضافه می شود که هر کس چیزی از اعمال صالح را انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد، تلاش و کوشش او مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت و برای تاکید بیشتر اضافه می کند: و ما اعمال صالح او را قطعاً خواهیم نوشت.

همچنین درباره مقدس بودن جایگاه عبادت مسلمانان و اهل کتاب در آیه ۴۰ سوره حج، چنین آمده که خداوند به وسیله گروهی دفع شر گروهی دیگر می فرماید و خود یاری کننده آن مکان هایی است که نام او ذکر می شود و همچنین از معابد اهل کتاب همانند مساجد مسلمین -به عنوان جایگاهی که در آن نام خدا بسیار ذکر شده- یاد می شود و این خود بیانی دیگر از سبیل و هدف یکسان این گروه هاست. در آیات متعددی بر واحد بودن این راه تاکید شده و ضمن ادعای ایمان به خداوند متعال ماموریت انبیاء سابق تأیید می شود در آیه ۱۳۶ سوره بقره و همچنین ۲۵ حدید خطاب به مسلمانان آمده: «بگویند: ما به خدا ایمان آورده ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم».

در قرآن کریم به طور کلی ۲۵۷ آیه در مورد اهل کتاب آمده است که از این میان، در حدود ۱۰۰ آیه مختص یهودیان بوده و ۱۵۷ آیه حول محور مسیحیت نازل شده است. در ابتدا و قبل از هر چیز، تأیید و احترام به فرهنگ، مقدسات، آداب و رسوم اهل کتاب در قرآن به چشم می خورد؛ شیوه ای کارآمد با هدف همدلی و وفای در ذیل سایه توحید و امت واحده با اهل کتاب و این مسئله را در محورهای زیر می توان دید.

۱- آیات مربوط به تأیید حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) به همراه ویژگی های ایشان.

- تأیید رسالت به همراه دلائل روشن: بقره ۸۷ و ۲۵۳، اعراف ۱۰۳ و ۱۱۷.

- تأیید شخصیت مقبول و شایسته ایشان: مائده ۴۸ و ۴۹.

- تأیید اینکه ایشان از صالحان بودند: مائده ۷۵.

- تأیید اینکه ایشان قول حق و همچنین نشانه های خدا هستند: انعام ۸۵-۹۰.

- تأیید اینکه ایشان همراه با حکمت و دلایل روشن بودند: مریم ۶۳.

- ۱- تأیید اینکه ایشان رسولان خدا هستند و آمدن پیامبر خاتم را مژده داده اند: مائده ۴۶ و صف ۶.
- ۲- آیات مربوط به خانواده ایشان.
- ۳- تأیید مادران ایشان و حضرت آسیه: آل عمران ۳۵-۳۷، تحریم ۱۱.
- ۴- برتری ایشان به زنان جهان، اهل عبادت و ارتباط با وحی: آل عمران ۴۲، ۴۷؛ تحریم ۱۱ و ۱۲.
- ۵- مثال زدن ایشان برای مومنان به نوان الگو: تحریم ۱۱، مومنون ۵۰، زخرف ۵۹.
- ۶- آیات مربوط به کتب تورات و انجیل.
- ۷- تأیید این کتب: آل عمران ۳، مائده ۴۸، یوسف ۱۱۱، انعام ۹۲.
- ۸- توصیه به مسلمانان در مورد ایمان به این کتب: نساء ۱۳۶.
- ۹- آیات مربوط به مومنان یهودی و مسیحی
- ۱۰- مومن بودند و تسلیم در برابر فرمان خدا: آل عمران ۵۲، مائده ۱۱۱ و صف ۱۴.
- ۱۱- بعد از آیاتی مشتمل بر احترام به اعتقادات اهل کتاب و تأیید آنها و همچنین استفاده از کلمات ارزشی؛ آیاتی در زمینه دعوت اهل کتاب به اتحاد و هم دلی در سایه توحید، عبادت و بندگی بیان می‌شود.
- ۱۲- وحدت بر اساس پیروی از ملت ابراهیم: با توجه به اینکه هم مسلمانان و هم اهل کتاب به پیامبری حضرت ابراهیم ایمان داشتند، می‌توان به وحدت و رفع سوء تفاهم ها دست یافت بقره ۱۳۵.
- ۱۳- وحدت بر اساس توحید و آنچه بر پیامبران و انبیاء نازل شده: بقره ۱۳۶ و عنکبوت ۴۶.
- ۱۴- وحدت بر اساس تسلیم بودن برای خدا: آل عمران ۲۰.
- ۱۵- وحدت بر اساس اعتقاد به یگانگی خداوند و اینکه بعضی را برای خود ارباب نگیریم: آل عمران ۶۴.
- ۱۶- وحدت بر اساس ایمان پیامبر بر حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) و کتب تحریف نشده ایشان: آل عمران ۸۴.
- ۱۷- وحدت بر اساس مساوی بودن مسلمانان و اهل کتاب در مورد گناه و کیفر گناهکار: نساء ۱۲۳.
- ۱۸- وحدت بر اساس وحی؛ که از جانب خداوند متعال به حضرت نوح(ع) تا حضرت محمد(ص) وحی می‌شد: نساء ۱۶۳ و عنکبوت ۸.
- ۱۹- وحدت در مورد اینکه با زنان پاکدامن اهل کتاب می‌توان ازدواج کرد: مائده ۵.
- ۲۰- قرآن در چند آیه به خصوصیات اهل کتاب مومن و حقیقی که تابع حق هستند، اشاره می‌کند؛ این نوع مخاطب قرار دادن اهل کتاب از آن روست که بعد از اینکه قرآن در ابتداء با احترام از مکاتب اهل کتاب و شخصیت‌های طراز اولشان یاد می‌کند و ایشان را به وحدت و همگرایی دعوت کرد گروهی از اهل کتاب ندای حق را لبیک گفته و با ایمان و عمل صالح مورد لطف و مغفرت الهی قرار گرفتند.
- ۲۱- بشارت به اهل کتاب مومن و تابع حق که دارای ایمان به خدا و روز قیامت هستند و عمل صالح انجام می‌دهند که اجر و پاداشی بزرگ نزد خدا دارند: بقره ۶۲ و مائده ۶۹.
- ۲۲- از ویژگی‌های اهل کتاب مومن، امانت دار بودن ایشان است. آل عمران ۷۵
- ۲۳- از ویژگی‌های اهل کتاب مومن و تابع حق؛ شب زنده‌داری و تلاوت آیات خدا و سجده: آل عمران ۱۱۳.
- ۲۴- اهل کتاب مومن و تابع حق، اهل عبادت، بندگی، ایمان به خدا، امر به معروف و نهی از منکر، شتابان در کار خیر و صالحان اند: آل عمران ۱۱۴.
- ۲۵- اهل کتاب تابع حق، مومن به خدا، کتاب قرآن فروتن و خاشع، که آیات خدا را به بهای اندک نمی‌فروشدند و نزد خدا پاداش شایسته ای دارند: آل عمران ۱۹۹.
- ۲۶- بعد از آنکه قرآن با شیوه رحمانی با اهل کتاب ارتباط برقرار نمود و آنها را به وحدت دعوت کرد، عده‌ای اجابت کردند و مورد رضوان الهی قرار گرفتند، ولی عده‌ای با کتمان حق و علمی که به آیات حق داشتند، راه ضلالت و گمراهی را پیش گرفتند. قرآن کریم با لحن هشدار دهنده که در آن لطف و رحمتی خفی می‌باشد، اهل کتاب را مورد خطاب قرار می‌دهد تا شاید متنبه شوند.
- ۲۷- بعد از آنکه به حقانیت اسلام یقین پیدا کردند به آیات خدا کفر ورزیدند و خدا سریع الحساب است: آل عمران ۱۹.
- ۲۸- هشدار به اهل کتابی که بدنلبال گمراه کردن مومنان هستند در حالیکه هدایت فقط از جانب خداست: بقره ۱۲۰.
- ۲۹- هشدار به این موضوع که بعضی از اهل کتاب هدایت را فقط در یهود و نصارا می‌دانند: بقره ۱۳۵.
- ۳۰- هشدار که چرا پیامبر اسلام را که همانند پسرانتان می‌شناختید، ولی کتمان حقیقت می‌کنید: انعام ۲۰.
- ۳۱- هشدار که چرا دانشمندان اهل کتاب آسمانی بودن قرآن را کتمان می‌کنند: انعام ۱۱۴.
- ۳۲- هشدار به اینکه اوصاف پیامبر اسلام در تورات و انجیل آمده است و کتمان می‌کنند: اعراف ۱۵۷.

درباره ارتباط با اهل کتاب سه دستور متفاوت در آموزه‌های اسلامی صادر شده است: توصیه به نیکی به آنان، منع از دلبستگی و برخورد محتاطانه. این تفاوت تغییرها با توجه به شرایط گوناگون زمان و مکانی و تفاوت حال و رفتار اهل کتاب است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ۳۱۲). آیات متعددی در قرآن از سبیل و هدف واحد مسلمین با اهل کتاب سخن رفته و انبیای آنان را به صورت کامل تصدیق فرموده اهل کتاب را از جهاتی می‌ستاید؛ اما گاهی آنان را نکوهش می‌کند. این نکوهش به دلیل دور افکندن کتاب آسمانی خویش و زمام خرد و اندیشه را به دست هوای نفس سپردن است و همچنین با توجه کردن و پنهان ساختن آیات خداوند، از پایبندی به مضامین آنها سرباز زده‌اند (دایره المعارف بزرگ اسلامی، پاکتچی، ۴۷۶/۱۰).

خلاصه و نتیجه بحث اینکه قرآن به مسلمانان حُسن خلق، احسان، عدالت، وفای به عهد و با همه ابنای بشری دستور فرموده و اهل کتاب را با توجه به اشتراکات دینی و تاریخی با مسلمین در یک امت واحد قرار داده و همچنین در آیات متعددی انبیای سابق را تأیید کرده و سبیل قرآن و پیامبر را ادامه‌دهنده آنها دانسته و همچنین در آیه ۶۴ سوره آل عمران به اهل کتاب پیشنهاد داده شده که بیایید میان نقطه اشتراک اصلی هر دو گروه که پرستش خدای یگانه است تاکید کنیم و تحت یک پرچم قرار بگیریم؛ در این آیه ضمن تأیید این اقوام و بعضی عقایدشان و همچنین توجه به نقاط اشتراک، پیشنهاد اتحاد و همبستگی داده می‌شود. آیاتی از جمله آیه مذکور بیان می‌کند که میان مسلمانان و اهل کتاب وجوه اشتراکی متعددی وجود دارد و پیامبر اسلام برای کامل کردن و کمال یافتن مأموریت پیامبران سابق مبعوث شده و برای هدایت پیروان آنها مأموریت یافته با آوردن ادله و اعجازهایی اعتماد اهل کتاب را جلب کرده و همه جهانیان را به سوی خداوند راهنمایی کند؛ اما در صورتی که اهل کتاب عنان عقل خود را به هوای نفس سپرده و با حقیقت دین مخالفت ورزند، دستوراتی مبنی بر احتیاط و منع دلبستگی به آنان صادر شده است.

۳- سیره پیامبر مکرم اسلام صل الله علیه و آله و سلم اولین حکمران اسلامی در برابر اهل کتاب

برقراری عدالت، آزادی و ایجاد صلح در کنار ظلم‌ستیزی، رفع فتنه و فساد از اهداف بزرگ پیامبر اسلام به شمار می‌رفت و ایشان با بکارگیری راه‌ها و شیوه‌های مختلف از جمله انعقاد پیمان، جنگ، گفتگو، مناظره و ... به اهداف خویش نایل آمد. پس از تشکیل حکمرانی اسلامی در مدینه، مسائل جدیدی مطرح شد که از جمله آنها نحوه مواجهه و برخورد حکومت اسلامی با غیرمسلمانان بود. پیامبر ضمن پذیرش حقوق غیرمسلمانان - به ویژه اهل کتاب - هیچ‌گاه از مهرورزی و عدالت در حق آنان دریغ نرورزید و اصل را در این باره بر منطق و گفتگو، آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌گستری و همکاری‌های مشترک بنا نهاد.

ایشان ضمن مدارا با کفار و حمایت از مراکز دینی اهل کتاب، هیچ‌کس را مجبور به تغییر دین خویش و پذیرش اسلام نساخت. هر چند در معرفی هوشمندانه اسلام و جذب مردم به آن، از همه ابزارهای عاطفی و عقلانی و جز آن استفاده نموده، در این راه سنگ تمام گذاشتند. بعلاوه آن حضرت در حوزه‌هایی چون انعقاد پیمان‌نامه‌ها، بهره‌وری از نخبگان و کارشناسان، داد و ستد با کافران، پذیرش کمک‌های غیرمسلمانان، احترام به سفیران و فرستادگان و دیگر حوزه‌های مرتبط، ضمن پذیرش و تاکید بر اصل این موارد، حدود و ثغور آن را نیز مشخص نمود و اصول و قواعد ماندگاری را در این باب از خود بر جای نهاد.

پیامبر با الهام از آیات قرآن، در برخوردهای روزانه خود دستورالعمل‌ها و فرمایشات بسیار کارگشا و آشکاری در زمینه ارتباط با اهل کتاب بیان فرموده‌اند که همواره راهنمای مسلمین در این زمینه خواهد بود؛ درباره تساوی انسان‌ها در خلقت از ایشان روایت شده: «همه مردم از روز خلقت آدم تا به امروز همانند دانه‌های شانه مساوی و یکسانند، عرب بر عجم، و سرخ بر سیاه، فضیلت و برتری ندارد جز به تقوا و پرهیزگاری» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۱، ۱۲۰۹/۱) روایتی دیگر درباره اذیت اهل ذمه نقل شده که: «هر کس به اهل ذمه آزار رساند، دشمن او خواهد بود و هر کس من دشمن او باشم، روز قیامت دشمنی خود را نسبت به او آشکار خواهم نمود» (دایره المعارف تشیع، ۱۳۸۶، ج ۱۲/ ۴۰۵) در حدیثی دیگر چنین نقل شده: «هر کس فرد ذمی را بیازارد، همانا مرا آزرده است». حتی در ذم قتل ذمی از ایشان روایت شده: «هر کس ذمی را بکشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد» (دایره المعارف تشیع، ۱۳۸۶، ۴۰۵/۱۲) و در مورد تهمت زدن به اهل ذمه فرمودند: «هر کس به فرد ذمی تهمت بزند، مجازات او روز قیامت تازیانه‌هایی از آتش است» (بلاغی، ۱۳۷۰، ۵۷).

همچنین درباره رعایت حال زندگی اهل ذمه به مسئولین دولتی خود دستورات اخلاقی و حکومتی متفاوتی صادر فرموده که از جمله آنها: «هر کس بر هم پیمان مسلمین ستم نماید و یا بیشتر از قدرتش بر او تکلف کند و یا او را ناقص‌العضو نماید و یا اینکه به اکراه چیزی را از او مطالبه کند، من در روز قیامت دشمن او خواهم بود» (ابویوسف، ۱۳۹۹، ۱۲۵). «در اموال اهل ذمه چیزی جز گذشت وجود ندارد» (همان)، «خدا، خوردن بی اجازه از میوه‌های اهل کتاب را بر شما حلال نکرده است» (سیوطی، ۱۴۰۱، ۴۶۸/۱) «خدای متعال ورود بی اجازه به خانه‌های اهل کتاب را بر شما حلال نکرده است» (همان).

نگاه ویژه و احترام اهل کتاب در ادبیات گفتاری و دستورات اداری خلاصه نمی‌شد و پیامبر از آغاز حکومت خود با رفتار و سیره‌ای ویژه با اهل کتاب رفتار می‌کردند، ایشان در پیمان عقبه دوم با الگوبرداری از نقبای بنی اسرائیل ۱۲ نقیب از انصار گزینش فرمودند، همچنین به

روزه روز عاشورا برابر با سنت یهود دستور دادند و بیت المقدس را فارغ از نقض و ابرام‌های احتمالی یهودیان به عنوان قبله معرفی فرمودند هر چند یهودیان اعتقاد داشتند بیت‌المقدس قبله انحصاری ایشان است.

همچنین در آغاز ورود به مدینه و تشکیل نظام نوپدید دینی، به منظور استحکام‌سازی نظام، منشوری را پدید آورد که در آن توجه ویژه و خاصی به یهودیان شده و جایگاه آنان را محترم شمرد. ایشان در این منشور همه حقوقی را که در یک نظام دینی برای یک مسلمان به رسمیت شناخته شده‌است، برای آنان نیز به رسمیت شناخت. برابر این پیمان، مسلمانان و یهودیان در برابر دیگران همچون یک امت قلمداد شده که باید در اموری چون دفاع از مدینه، صلح با دشمن، تامین هزینه‌های عمومی و دیگر مسایل مشترک با همدیگر همکاری داشته، همواره خیزخواه یکدیگر باشند (ابن هشام ۱۵/۲).

علاوه بر این منشور، پیمانی دیگر با یهودیان مدینه منعقد شد که بر اساس این پیمان امنیت مالی و جانی یهودیان تضمین شده و حقوق آنها به رسمیت شناخته شده است. طبری ادعا می‌کند: «تا زمانی که یهودیان به پیمان‌های خویش وفادار بودند، رعایت حقوق و تامین امنیت آنان در بالاترین سطح ممکن از سوی رسول خدا انجام شد و اگر اتفاقاتی این روابط را دستخوش تغییراتی ساخت همه ناشی از بدعهدی یهودیان بود و نه سخت‌گیری پیامبر» (طبری، ۴۷۹/۲).

حتی پیامبر در مقابل فتنه های یهودیان خیبر که به صورت مفصل بر علیه مسلمانان انجام می‌دادند، با آنها با شرایطی که یهودیان پیشنهاد دادند مصالحه نموده و از مجازاتشان صرف نظر کرد. بعد از جنگ و پیروزی مسلمانان؛ هنگامی که پیامبر متوجه شدند یهودیان خیبر از برخورد شماری از مسلمانان با اموال و اراضی آنان گلایه مندند به شدت مسلمانان را از تعرض به اموال و اراضی یهودیان بر حذر داشت و پاسداشت حقوق آنان را بر همگان لازم و محترم شمرد و اموال آنان را برای مسلمانان جز با پرداخت قیمت روا ندانست (واقعی، ۶۹۰/۲؛ ابن هشام، ۳۶۷/۳؛ بخاری، ۸۲۱/۲).

در ارتباط مسیحیان نیز پیامبر در قالب یک سلسله قراردادهایی آزادی‌های مشروع برای ایشان تامین نموده و این روابط را قانونمند نمود. پیامبر در مقابل یهودیان رفتاری معتدل‌تر از مشرکین اختیار نموده و همچنین با مسیحیان با زمینه بهتری نسبت به یهودیان-با توجه به روحیه معتدل‌تر و علاقه بیشتر مسیحیان- تعامل می‌فرمودند. نکته قابل بیان اینکه چنین نگرشی در قرآن نیز مشاهده شده و در آیه ۸۲ سوره مائده بیان شده بطور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم».

با توجه به دستورات قرآن و روحیه معتدل‌تر مسیحیان، خاتم النبیین در مقابل مسیحیان نجران که از مباحله با ایشان سرباز زده بودند مصالحه نمود؛ در طی این مصالحه مقرر داشت جان و مال آنان از هر گونه تعرض برکنار بماند، کسی از سرزمین خود رانده نشده و مالیاتی به نام عشر گرفته نشود. ضمن آنکه مناصب دینی آنان دگرگون نشده و هیچ اسقف و راهبی، از کار برکنار نشود. (احمدی میانجی، ۱۳۷۶، ۳۱۸/۱-۲).

علاوه بر اصولی که پیامبر در قرارداد با اهل‌ذمه رعایت می‌فرمودند، زمانی که نمایندگان، علما و روحانیون طوائف غیرمسلمان به مدینه می‌آمدند، به آنان احترام بسیار نهاده و اجازه می‌داد آزادانه انتقادات و اشکالات و منطق خویش را بازگو کنند و خود با آنان از طریق برهان و استدلال به گفتگو می‌پرداخت (سبحانی، ۱۳۷۱، ۴۹۵-۴۹۷). همچنانکه خداوند در آیه ۴۰ سوره حج معابد اهل‌کتاب را در کنار مساجد قرار داده و تکریم و تعظیم آنها را در کنار همدیگر محترم شمرده پیامبر نیز در قراردادهای خویش این مکان‌ها را محترم شمرده و تعهد خویش را به صیانت از این مکان‌های مقدس اعلام داشتند (منتظری، ۱۴۱۱، ۷۵۲/۲). حتی پیامبر نسبت به متولیان پرستشگاه‌ها نیز توجه داشته و از نیروهایی که روانه شام برای جنگ موته بودند خواسته‌شده که از تعرض به متولیان معابد خودداری کنند. در همه فتوحاتی که بعد از پیامبر (ص) توسط مسلمانان صورت یافت، هیچ‌گاه فاتحان متعرض پرستشگاه‌ها نشدند و معبد و کنیسه‌ای را ویران نساختند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ۳۴۱/۹).

وجود مبارک پیامبر اسلام همواره گفت‌وگو را به قصد کشف حقیقت و تسلیم واقعی در برابر حق انجام می‌دادند و هدفشان کشورگشایی، تحمیل عقیده و اجبار در دین نبود. شاید بزرگ‌ترین و بهترین دلیل بر این امر، برخورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با حاکمان مسیحی بود. که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در نامه‌های خود به حاکمان مسیحی می‌فرمودند: اگر اسلام بیاورید بر حکومت خود باقی خواهید ماند. با اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان نوشتن نامه در اوج قدرت قرار داشتند و می‌توانستند با حمله به آن مناطق، آنجا را اشغال کنند، ولی این کار را نکردند و ابتدا نامه می‌نوشتند؛ از جمله این نامه‌ها نامه به حارث‌بن ابی‌شمر غسانی، حاکم تخوم شام که تحت حمایت هراکلیوس (قیصر روم) و مسیحی بود، و نامه به هوزه حاکم یمامه، که مسیحی بود، ولی هم‌پیمان و حافظ منافع کسری بود.

رفتار همراه با تکریم پیامبر محدود به فعالیت‌های سیاسی و در حکومت‌داری یا جنگ‌ها نمی‌شد ایشان همواره با سیاست تکریمی خویش جذب حداکثری به سبیل الی الله داشتند. روزی یکی از یهودیان مدینه متاعی می‌فروخت و یکی از انصار از وی تقاضای خرید کرد. یهودی که حاضر نبود کالای خود را مقابل قیمتی که مرد انصاری تقاضا نموده بود بفروشد، گفت: سوگند به آن کسی که موسی را

برگزیده، به این قیمت نمی‌فروشم. مرد انصاری به گمان این که وی با این جمله قصد تعریض به پیامبر اسلام را دارد، تحریک شده و سیلی محکمی بر صورت یهودی نواخت و فریاد زد: تو چنین می‌گویی در حالتی که هنوز محمد در میان ما است؟! یهودی نزد پیامبر آمد و از رفتار انصاری شکایت کرد و گفت که وی از اهل پیمان است. پیامبر(ص) هنگامی که از جریان آگاهی یافت، آن چنان خشمگین شد که آثار خشم بر صورتش ظاهر گردید و فریاد زد: در میان پیامبران خدا، امتیازی قائل نشوید. آن گاه موسی کلیم الله را به خیر یاد نمود و آن حضرت را با آن چه که شایسته مقامش بود، مدح و ستایش کرد. «عمید زنجانی، ۱۰۶»

شهید مطهری در کتاب «داستان و راستان» در داستانی از سیره پیامبر چنین نقل می‌کند: «عایشه، همسر پیامبر(ص) نزد آن حضرت نشستند بود که مردی یهودی وارد شد. هنگام ورود به جای «سلام علیکم» گفت: «السلام علیکم»، یعنی «مرگ بر شما». طولی نکشید که یهودی دیگری وارد شد، او هم به جای «سلام» گفت: «السلام علیکم» معلوم بود که این ماجرا بر حسب تصادف نیست، بلکه نقشه ای است که با زبان، پیامبر را آزار دهند. عایشه سخت خشمگین شد و فریاد برآورد: «مرگ بر خود شما و...» پیامبر فرمود: عایشه! ناسزا مگو، ناسزا اگر مجسم گردد بدترین و زشت ترین صورت ها را دارد. نرمی و ملامت و بردباری روی هر چه گذاشته شود، آن را زیبا می‌کند و زینت می‌دهد و از روی هر چیزی برداشته شود از زیبایی آن می‌کاهد؛ چرا عصبی و خشمگین شدی؟ عایشه گفت: ای فرستاده خدا، مگر نمی‌بینی که این ها با کمال وقاحت و بی‌شرمی به جای سلام چه می‌گویند؟ پیامبر(ص) فرمود: چرا، من هم گفتم: «علیکم» (برخود شما)، همین قدر کافی بود» (شهید مطهری، ۱/۱۴۱).

روزی در اثنای جنگ، چوپانی از یهود به اردوگاه مسلمانان ملحق می‌شود و گله گوسفندی را با خود به همراه می‌آورد. ولی از آن جا که این کار خیانت به صاحبان گوسفندان محسوب می‌شد، پیامبر(ص) چوپان تازه مسلمان را وادار کرد که گوسفندان را به صاحبش برگرداند و به وی متذکر شد که گوسفندان نزد وی امانت بوده و در اسلام خیانت به امانت، اگر چه درباره دشمنان، جایز نیست (سبحانی، ج ۲، ص ۶۶۵)

در داستان تاریخی بسیار مشهوری آمده که پس از یکی از غزوات و هنگام مراجعت مسلمانان به مدینه، بلال مأمور شد «صفیه» دختر «حیی بن أخطب» رییس یکی از حصارهای خیبر را با یک کنیز دیگر به مدینه برساند. بلال آن دو زن را بر شتری سوار کرد و به سوی مدینه رهسپار شد و در اثنای راه به حسب اتفاق آن دو زن یهودی را از کنار کشتگان عبور داد. کنیزک از مشاهده کشتگان به ناله افتاد. پیامبر(ص) چون ناله کنیز یهودی را شنید، ناگهان فریاد زد: بلال! مگر رحمت و عطف از دلت رخت بر بسته است که این دو زن را بر کشتگان شان عبور می‌دهی؟! (عمید زنجانی، ۱۰۵)

بحث و نتیجه‌گیری

موضوع سیاست حکمران مسلمان در ارتباط با اهل کتاب موضوع بسیار مهمی است که بصورت کلی کمتر مورد توجه نویسندگان علوم اسلامی قرار گرفته است. کتب و مقالات بسیار محدودی در این زمینه نوشته شده است. کتب و مقالاتی در باب نظر قرآن و سیره پیامبر درباره ارتباط با غیرمسلمانان نوشته شده که در بخش منابع، تعدادی از آنها ذکر می‌شود. اما مقاله یا کتابی با این موضوع تاکنون مطلبی به رشته تحریر نیامده بود.

در قرآن انسان اشرف مخلوقات معرفی شده و به دستورات اخلاقی یکسانی در مقابل همه انسان‌ها توصیه شده است دستوراتی از قبیل: صداقت، امانتداری، احسان، کمک به دیگران، خوش‌رویی، وفای به عهد، صلهارحام و ... از میان نوع بشر همچنانکه ذکر شد به موضوع ارتباط با اهل کتاب تعداد ۲۵۷ آیه از ۶۲۳۶ آیه کتاب مقدس قرآن اختصاص یافته است؛ همین نکته به تنهایی گویای توجه خاص قرآن به این موضوع؛ تکریم و تعظیم شعائر این قوم، پیامبران و مومنان آنهاست.

در این آیات ابتدا به صورت بسیار ویژه‌ای شخصیت حضرت عیسی و حضرت موسی مورد تأیید قرار گرفته و در تمجید این بزرگواران از تعبیری مانند قول حق و نشانه‌های خداوند استفاده می‌شود. آیات قرآن به تأیید پیامبران اکتفا نکرده و خانواده‌ها، مومنان همچنین کتب مقدس این پیامبران را هم تأیید فرموده و هم مورد تمجید قرار داده است، بعد از آیاتی مشتمل بر احترام به اعتقادات اهل کتاب و تأیید آنها با استفاده از کلمات ارزشی؛ آیاتی در زمینه دعوت اهل کتاب به اتحاد و هم دلی در سایه توحید، عبادت و بندگی بیان می‌شود. در آیاتی دیگر قرآن صفات مومنان اهل کتاب را مورد ستایش قرار داده و وعده اجر و پاداشی بزرگ برای آنها نوید می‌دهد.

سیاست تکریمی در آیات قرآن به کرات بیان و حتی تأکید شده و این نظریات ثنوری در سیره پیامبر مکرم نمود عملی پیدا کرده است. حضرت محمد صلی‌الله‌علیه و آله و سلم برای جذب اهل کتاب به کرامت اکتسابی از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزیدند. شاید بهترین دلیل بر این امر، پیمانی باشد که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم در سوم محرم سال دوم هجری درباره رابطه مسلمانان با مسیحیان در مسجدالنبی، انشا نمودند (ر.ک. محمدحمیدالله، ۱۳۹۳). ایشان در اوج قدرت خود همواره بر صلح تأکید داشتند و حتی اگر مخالفان حاضر به پذیرش اسلام نمی‌شدند، آن حضرت سعی می‌نمودند با گرفتن جزیه صلح را برقرار کنند و حتی‌الامکان از جنگ بپرهیزند، و همواره تلاش ایشان بر منطق گفت‌وگو بود. پیش از هر جنگ با ابلاغ پیام دعوت خویش، آنها را به حق می‌خواند و در اغلب نامه‌های خود از لفظ «سلام بر شما» استفاده می‌کردند. در این نامه‌ها همه را به عبادت خدا و انجام فرایض دینی و اخلاقی دعوت می‌کردند، ایشان حتی به مسیحیان نجران اجازه می‌دهد در مدینه و در مسجدالنبی به سمت مشرق نماز بخوانند.

وجود مبارک پیامبر در کنار یهودیان و خانواده عبدالله ابن ابی به عزای این دشمن خود به سوگ می‌نشیند؛ موذن خود، بلال حبشی را برای حرکت دادن خانواده ماتم زدگان از کنار اجساد منصوبین، مورد شماتت قرار می‌دهند؛ چوپانی که در میانه جنگ همراه با گوسفندان دشمنان به اردوگاه پیامبر پناه آورده را جهت پس دادن گوسفندان -به صاحبانشان که در لشکر مقابل بودند- می‌فرستد و در شکایت یک یهودی که مسلمانی او را بخاطر سوگندش به حضرت موسی کتک زده؛ چهره مبارکشان افروخته می‌گردد و فریاد بر می‌آورند که در میان پیامبران خدا، امتیازی قائل نشوید. آن گاه موسی کلیم الله را به خیر یاد نمودند و آنگونه حضرت را با آن چه که شایسته مقامش بود، مدح و ستایش کرد.

نتیجه و خلاصه نوشته چنین می‌توان تبیین گردد که خداوند منان انسان را خلیفه خویش در زمین قرار داد و همه موجودات را مسخر و در اختیار او برای استفاده بهینه در راستای وصول به یک کرامتی بالفعل و اکتسابی قرار داد که زمینه این کرامت و مقدمات آن در وجود او نهاده شده بود. همه فعالیت‌های الهی و بالاخص فعالیت‌های وجود مبارک خاتم النبیین در راستای تبلیغ سبیل کرامت اکتسابی و با هدف تبیین عملی تکریم این کرامت بوده است. در آیات مبارک کلام الله مجید و سیره پیامبر عظیم الشان اسلام شاهد مثال‌های مختلفی از این مأموریت وجود دارد که در این نوشته به صورت مجمل به گوشه‌هایی از این موضوع اشاراتی گردید.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن هشام، السیره النبویه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵.ق.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، دارالمعرفه، للطباعه و النشر، بیروت، لبنان، ۱۳۹۹.ق.
- ارزانی، حبیب رضا، مقاله «الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان و مسیحیان»، مجله الهیات تطبیقی، اهتمام، حامد، سال ششم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.ش.
- احمدپور، اکبر، مقاله «بازخوانی چگونگی تعاملات پیامبر با غیرمسلمانان»، مجله تاریخ و فرهنگ، سال چهل و هفتم، شماره ۹۵، ۱۳۹۴.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، دارالحديث، قم، ۱۳۷۶.ش.
- بلاغی، صدرالدین، عدالت و قضا در اسلام، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، دار ابن کثیر، دمشق-بیروت، ۱۴۱۴.ق.
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، بوستان کتاب، تهران، ۱۳۹۵.ش.
- فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.ش.
- صادق پور، طیبه، مقاله «کرامت انسان در قرآن»، مجله بینات، شماره ۵۳، ۱۳۸۶.ش.
- حمیدالله، محمد، نامه ها و پیمان های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، ترجمه سید محمد حسینی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۹۳.ش.
- عمید زنجانی، عباسعلی، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۴.ش.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، موسسه آل البيت، لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴.ق.
- رسولی محلاتی، هاشم، تاریخ اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۱.ش.
- دایره المعارف تشیع، نشر سعید محبی، تهران ۱۳۸۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین، سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴.ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، دارالمعارف بمصر، قاهره، بی تا. ۱۴۱۵.ق.
- مطهری، مرتضی، داستان راستان، تهران: صدرا، ۱۳۶۶.ش (چاپ نهم).
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، دارالفکر، قم، ۱۴۱۱.ق.
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۴.ق.